

گفت‌وگوی صبا با محسن جسور کارگردان فیلم حلزون

«شکار حلزون» نگاهی متفاوت به عدالت

ندا روزبه
گفت و گو

«شکار حلزون» از فیلم اولی‌های چهل و دومین جشنواره فجر است که این روزها در مورد تفاوت و نگاه نو آن زیاد صحبت می‌شود؛ این فیلم با نگاهی پیرامون خانواده زندانیان، در جشنواره حضور یافته و به واسطه آن، آخرین نقش آفرینی زنده یاد حسام محمودی را بر پرده‌های جشنواره فیلم فجر شاهد خواهیم بود. قطعاً نگاه نو و متفاوت هر فیلمی تماشای آن را برای مخاطب شیرین می‌کند. شاید شیرینی «شکار حلزون» از تلخی جای خالی بازیگرش بکاهد.

موضوع داستان آن این فیلم و مضمون آن که همه گروه را شیفته خود کرده است، از کجا آمده و انتخاب شما برای داستان فیلمنامه اولین فیلم تان شده است؟

سال‌ها پیش، مدت زیادی مفهوم عدالت برایم سؤال برانگیز شده بود و کنج‌کاوی ایجاد می‌کرد که واقعاً عدالت چیست؟ این جزو سؤالاتی است که به نظرم تا تاریخ هست، نمی‌شود به آن پاسخ شفافی داد. مدت‌ها بعد از آن، زمانی که در دوران دانشجویی نمایشنامه‌ای را کار کردیم به نام «عادل‌ها» نوشته آلبر کامو، از آنجا این دغدغه‌ام بیشتر شد تا سال ۸۳ که به پیشنهاد یکی از اساتیدم نمایشنامه «مرگ و دوشیزه» را خواندم و به شدت به آن علاقه‌مند شدم. من با یک نگاه آزاد به این قصه، یک قصه ایرانی‌ای را با یک طرح دیگری که داشتم؛ این‌ها را با هم تلفیق کردم و به قصه «شکار حلزون» رسیدم. **شما و مصطفی سلطانی سال‌هاست که در سینما فعالیت دارید، ولی «شکار حلزون» اولین تجربه کارگردانی شما و تهیه‌کنندگی مصطفی سلطانی در سینما است. به قولی هر دو در این حوزه کار اولی هستید. از این جهت تردید نداشتید؟**

واقعیتش نه. چون مصطفی سلطانی از دوستان قدیمی من است و بیشترین امتیازی هم که او که داشت این بود که سال‌ها بود با هم دوست بودیم، نگاه همدیگر را می‌شناختیم و این که او فیلمساز است و این خودش حسن بزرگی است؛ چون کسی که خودش فیلمساز است وقتی در جایگاه تهیه‌کننده قرار می‌گیرد، خیلی به کارگردان فضا می‌دهد و همه مناسبات را می‌داند. سراغ چند تهیه‌کننده دیگر رفتم که هیچ‌کدام حاضر به حمایت من نشدند، حتی بر خورده‌های زنده‌ای با من داشتند که بعد از آن با مصطفی سلطانی در این خصوص صحبت کردم و واقعاً مثل یک برادر بزرگ‌تر آمد و تهیه‌کنندگی این کار را بر عهده گرفت و واقعا در این پروژه برای من بزرگ‌تری کرد. واقعاً همه عوامل «شکار حلزون» این‌طور بودند. یعنی دوستانی که سال‌ها در پروژه‌های مختلف با هم کار کرده بودیم، لطف کردند به من اعتماد کردند، آمدند پای کار و با حداقل دستمزد ایستادند.

دلایل مختلفی حضور بازیگر چهره را برای فیلمسازان حائز اهمیت کرده است. با این وجود در بین بازیگران توانمند و هنرمند «شکار حلزون» چهره شاخصی دیده نمی‌شود. این اهمیت برای شما وجود نداشت؟

واقعیتش این است که من هم دوست داشتم این اتفاق بیفتد، دروغ که ندارم بگویم، برای این که به بهتر دیده شدن فیلم کمک می‌کرد ولی آدم وقتی داشته‌هایش را در یک طرف قرار می‌دهد، مجبور است که اولویت‌ها را در نظر بگیرد و با بودجه محدودی که داشتم این اتفاق شدنی نبود. از طرفی خودم اعتقاد دارم همان‌طور که من منتظر بودم که یک روزی به من این فرصت و میدان داده شود تا دیده شوم باید همین فضا را برای دوستان خودم در حوزه بازیگری فراهم می‌کردم. **به نظرم فیلمسازی درست هم همین است، متأسفانه گاهی شرایط ایجاب می‌کند...**

بله دقیقاً. ما هم کم‌وبیش درگیر شرایط هستیم. مثلاً الان مجبور شدیم زمان فیلم را به اندازه‌ای برسانیم که در پخش جشنواره به مشکل نخورد و الا فیلم طولانی‌تر از آن نسخه‌ای است که به جشنواره ارائه دادیم؛ ولی خب من دیدم که از من نمی‌پذیرند به عنوان فیلم اول یک فیلم صد و ده دقیقه‌ای داشته باشم، می‌پذیرند که یک فیلم نود دقیقه‌ای داشته باشم و ما تمام تلاشمان را کردیم بدون اینکه به قصه آسیب برسد، فیلم را به زیر صد دقیقه بیاوریم؛ چون بعدها قطعاً اگر آن، پخش و جشنواره‌ها به مشکل می‌خوریم.

پیش‌بینی خودتان از بازخورد «شکار حلزون» در جشنواره چیست؟

این سؤالی است که خودم برای رسیدن به جوابش لحظه‌شماری می‌کنم و خودم هم دلم می‌خواهد زودتر فیلم‌اکران شود تا از عکس‌العمل تماشاگران به جوابش برسیم. ولی من فیلم شریفی ساختم. فکر می‌کنم شعر حافظ اینجا مصداق پیدا می‌کند که هر آنچه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند. واقعا «شکار حلزون» را با همه وجود و اعتقادم ساختم.

اکران عمومی فیلم را برای بعد از جشنواره چطور می‌بینید؟

فکر می‌کنم تماشاگر از «شکار حلزون» لذت ببرد. چون به یک چیزی اعتقاد دارم، من سراغ مفهومی نرفتم که در آسمان‌ها بشود تخلیخ کرد. من سراغ مفهومی رفتم که واقعیت است و پاهایش روی زمین است و خیلی از ماها شاید با این قضیه درگیر باشیم، در یک موقعیتی قرار بگیریم که دوست نداریم قضاوت‌مان کنند. در موقعیتی قرار بگیریم که دوست داریم شرایط و مناسبات و پیش‌فرض‌های ما را ببینند، بعد در موردمان قضاوت کنند.

حضور در جشنواره چقدر برای شما مهم است؟

تجربه شخصی‌ام به من ثابت کرده که جشنواره فیلم فجر برای فیلمسازهای ایرانی خیلی مهم است. فجر واقعاً برآیند سینمای ماست. ویتترین مان است. در واقع قله دیده شدن است، آن جاست که خودت را می‌توانی عرضه کنی. من یک فیلمسازم و این نگاه را دارم، صاحب این تکنیکم، صاحب این دست‌خط‌نگارشم. این‌ها واقعیت جشنواره فیلم فجر است. کدام فیلمساز مادر فجر نبوده؟ شاید الان نباشد؛ ولی از این مرحله عبور کرده. یعنی یک زمانی خواسته‌اند که در فجر حضور داشته باشند و دیده شوند. حالا شاید به جایگاه بزرگی رسیده‌اند و دیگر شاید برایشان خیلی اهمیت نداشته باشد. ولی در سینمای ما، همه نگاه‌ها به جشنواره فیلم فجر است.

حرف آخر؟

من می‌خواهم یک تشکر ویژه از گروه‌کنم و از خانواده‌ام که در مدت ساخت فیلم شرایط من را درک کردند و کنارم بودند و یادی کنم از مرحوم حسام محمودی که خیلی دوست داشت این فیلم دیده شود. اما متأسفانه دست روزگار او را زود از ما گرفت و واقعا یکی از حسرت‌هایم این است که حسام نیست. برای این نقش خیلی زحمت کشید و با دلش آمد. خدارحمتش کند و این که نگاه شخصی‌ام این است که فکر نمی‌کنم از بین چند فیلم پذیرفته شده‌ام. من خودم را نماینده خیلی از بچه‌های فیلمسازی می‌دانم که در دوره‌های قبل یا این دوره فرصت این را پیدا نکردند که در جشنواره فیلم فجر حضور داشته باشند. من نماینده آن قشرم. نماینده قشری‌ام که تلاش می‌کنند فیلم خوب بسازند، فیلم اولی هستند. به ما اجازه دهید دیده شویم. همه یک روزی فیلم اولی بودند، همه بزرگواران و اساتیدی که الان هستند. همه روزی فیلم اولی بودند از کره مرپخ که نیامده‌اند. به آن‌ها هم یک روزی، یک کسی اعتماد کرده و فرصت داده که بسازند، حتی اشتباه کنند؛ پس به ما هم فرصت دهید.

